

نبرد میان رژیم استبداد مذهبی و ملت ایران، که در نبردگاه سیرک انتخاباتی دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری انجام گرفت، که به پیروزی ملت ایران و شکست بزرگ و بیسابقه رژیم پایان یافت.

طبیعی است رژیمی که پایه ها و بنیادش بر روی دروغ و فریبکاری و شیادی بنا شده است بیدرنگ حتی پیش از شمارش آرا مدعی شد که شماری بالای ۴۱٪ (۲۵ میلیون) از واجدین شرایط در رای گیری ها شرکت جسته اند، یا بگفته ای دیگر شماری نزدیک به ۳۶ میلیون از شرکت در رای گیری ها خودداری ورزیده اند. در این میان رسانه های غربی که از هراسان از بی آبرویی بیشتر رژیم و خطر فروپاشی آن، ستابان بیاریش شتافته اند.

نخست با فریبکاری و دروغ، نبرد میان ملت ایران و رژیم اشغالگر پاز-عربیستی را نبردی میان دو جناح دولتی محافظه کاران و اصلاح طلبان توصیف و کاهش داده اند. دوم، هر چند که این رسانه ها اعلام نموده اند که شمار ۴۱٪ غیرحقیقی می باشد، ولی با چموشی گری همزمان مدعی می شوند که برخی از "منتقدین" (نه مخالفین رژیم) آمار شرکت کنندگان را ۲۵٪ می دانند (۱۵.۳ میلیون نفر). سومین نکته، این رسانه ها، دروغ دیگری را در ذهن مخاطب خود فرو می نموده اند، که شوند عدم شراکت مردم در این رای گیری ها، نه بخاطر کشتار و بازداشت هزاران جوان آزاده ایرانی در طی خیزش ملی که در دو سال گذشته و پس از کشتن مهسا امینی، دوشیزه ای ۲۲ سال از سقز آغاز شد، نمی باشد، بلکه بدان خاطرست که مردم ایران "ایمان خود را نسبت به سیاست از دست داده اند!"

باری، شواهد گویای آنست که شمار راستین شرکت کنندگان می بایستی میان ۱۱٪ الی حداکثر ۱۵٪ بوده باشد، یا بگفته ای ساده تر شماری میان ۶.۷ تا ۹.۱ میلیون نفر در رای گیری نمایشی رژیم شرکت جسته و نیز شماری میان ۵۱.۸۳ تا ۵۴.۲۷ میلیون تن ایرانی سرانجام از خواب بیدار شده و با تحریم انتخابات نمایشی، بزرگترین "نه" را به رژیم خون و خشونت اسلامی گفته اند.

دو دیگر، حتی اگر گمان محال را بر آن بگذاریم که آمار ۲۵٪ شرکت کننده که از سوی رسانه های بیگانه اعلام شده است درست می باشد ولی مساله ای که مغرضانه و هدفمندانه بدان اشاره نمی شود، آرای باطله در این سیرک انتخاباتی است - آرای باطله ای که از سوی کسانی که در ضمن مخالفت با رژیم نیز وادار به رای دادن شده اند و اکثریت می بایستی ارتشیان که در برگیرنده سربازان وظیفه ونیز کارمندان دولتی را متشکل می شوند که هراسمند نوده اند که مورد توییح و تنبیه رژیم قرار گیرند. البته بایستی برآورد کرد که بخشی از آرای باطله متعلق به کسانیست که می پندارند با اینگونه رای دادن، شیوه ای مبارزه منفی علیه رژیم بشمار می رود که صدای معترضشان را خواهد شنید. در نتیجه، حتی در خوشبینانه ترین وضعیت برای رژیم، اگر بنا را بر آن بگذاریم که نیمی از ۲۵٪ رای های باطله را متشکل می شوند، یعنی شماری بالای ۶.۷ میلیون تن به کل مخالفین رژیم افزوده می شود. یا بگفته ای دیگر شماری نزدیک به ۵۴ میلیون تن از ۶۱.۱۷۲ میلیون ایرانی که حق رای داشته اند، بزرگترین "نه" را در ۴۵ سال گذشته به رژیم فاشیست اسلامی گفته اند، از آنروی، این رویداد تاریخی را بایستی بزرگترین پیروزی ملت ایران علیه اشغالگران و اربابان بیگانه اشان دانست.

ولی، پرسشی که اکنون هر کُنشگر سیاسی مخالف رژیم بایستی برای خود مطرح سازد، چگونه می توان نیمی از این ۷.۵ میلیون ایرانی که فریب رژیم را خورده و داوطلبانه در این رای گیری ها شرکت کرده اند بهمراه کسانی که رای باطله داده اند را متقاعد ساخت تا از شرکت در سیرک انتصابات ریاست جمهوری در سال آینده خودداری ورزند؟

پیش از پرداختن به این پرسش، بایستی به رهبریت کارزار تحریم که به پیروزی سرانجامید پرداخته شود.

کاوه بیاخاسته است، اکنون نوبت فریدون شاه است تا گرز را بر سر ضحاک فرود آورد

در روز ۱۵ آبان ۲۵۳۷، مننی که توسط رضاقتبی (مُهره چپ گرای سازمان سیا) تنظیم کرده بود و شاهنشاه فقید را متقاعد

(در حقیقت وادار) به خواندنش ساختند که "من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم،" در حقیقت صدای فتنه جویان و شورشیان و مزدوران نهادهای غربی در ایران بود که همه نیروی خود را برای سرنگونی او متحد ساخته بودند را بگوشش رساندند. ولی در روز ۱۱ اسفندماه ۲۰۸۲ شاهنشاهی (۱۴۰۲) السید علی الخامنه ای (البته اگر او زنده و بدل او نباشد[[2]]) و در کل همه سردمداران رژیم جمهوری، صدای انقلاب مردم را شنیدند، آنها صدایی که بایستی آن "ناقوس سرنگونی قطعی رژیم" نامید.

رسانه های بیگانه به همراه نوچه هایش و دیگر ایرانیان و ایرانفروشان درونمرزی و برونمرزی، که پس از رفتن رسانه ملی 'من و تو' از صحنه رسانه ای و تهی شدن شیر از میدان، شغال و کفتارها آغاز به نسخ گیری نموده اند. این رسانه های بویژه "بن سلمان اینترنشنال" که با دسیسه بازی های گوناگون در تلاش است تا یک ایران آزاد و دموکرات را در منطقه نبیند، زیرا که تازیان فرزندان همان تازیان خونخوار شنزارنشین نجد و حجازند که ۱۳۰۰ و اندی سال پیش بایران یورش آوردند و بخوبی آگاهند که یک ایران آزاد و دموکرات بویژه در سایه یک نظام پادشاهی پارلمانی، در طی کمتر از یک دهه خود را به جایگاه گذشته که سروری آسیای غربی بود خواهد رساند. بنابراین اکنون در تلاشی مذبوحانی می کوشد تا تحریم رای گیرها را بخاطر تلاش های جناح دولتی اصلاح طلبان اعلام نمایند تا از فروپاشی رژیم جلوگیری نماید؛ آنها زمانی که تا چند روز پیش از سیرک انتخابات، ۱۱۰ نفر از اصلاح طلبان بر علیه هر گونه تحریم اعلامیه صادر کرده[[3]] و السید محمد الخاتمی، پدرخوانده اشان با گفتن "اصلاح طلب واقعی با کسی قهر نیست و قهر نخواهد کرد"،[[4]] مردم را تشویق به شراکت در رای گیری های نمایشی می کرد که البته ملت ایران با مشت آهنین خود و با تحریم کردنش به او نیز پاسخ دادند. نیز، باری، پس از چند روز و ناکامی که تحریم ها را بنام اصلاح طلبان یا مهره های صادرشده رژیم در برنمروزها سکه زدن، بدور دیده نمی شود که در آزمون بجای زوم کردن بر روی اکثریت تحریم کننده، سراغ اقلیت رای باطله دهند روند تا کارزار "نه به سیرک انتخابات" را کمرنگ سازند.

باری ملت ایران امروزه بیدار و آگاه شده و از دسیسه های این نهادها و رسانه های ایرانیستیز که برای نابودی ایران تلاش می کنند باخبرند، بویژه آنکه بخوبی آگاهند که هیچ تفاوتی میان جناح های رژیم و مهره های صادراتی رژیم به برونمرزها که هر روز توسط این نهادها بعنوان مبارز معرفی می شوند، نیست و همه یکسان در جنایات، ایرانفروشی ها و تاراج کشور در ۴۵ سال گذشته سهیم و شریک بوده و می باشند. در نتیجه می دانند که این کارزار تحریم بخاطر کوشش یک تن به پیروزی رسیده است و آن شاهزاده رضاپهلوی است که با پشتیبانی یک ارتش مجازی میهندوست و میهنپرست، اعم از جمهوریخواه و هوادار نهاد پادشاهی به پیروزی رسیده است و رسانه های پارسی زبان بیگانه، از سر خشم و کینه حتی تا این درنگ نه اعتباری به او داده اند نه از او که شناخته ترین و معتبرترین سخنگو و نماینده ملت ایران دعوت به گفتگو نموده اند.

ولی بگفته زبانزد عامیانه، "این زمستان می رود و رو سیاهیش به ذغال می ماند"، و پس از سرنگونی رژیم و آزادی ایران بساط سانسور برچیده خواهد شد و آزادی بیان و رسانه های در ایران آینده، عمر این رسانه ها را نیز به پایان خواهد رسانید و یکایک مزدوران کارمند این رسانه های در دادگاه های ملی بر اساس قوانین کشوری و جهانی بایستی پاسخگوی ایرانیستی و ایرانفروشی خود شوند. ولی در این برهه زمانی، مساله مهم و قابل تامل برای ملت ایران، نقش رهبری شاهزاده رضاهلوی است که برای نخستین بارست این وظیفه ملی را بر عهده گرفته است و ملت ایران را نزدیکتر به حذف فیزیکی این رژیم از قدرت ساخته است.

باری، بارها در گذشته در نوشتارهای گوناگون، به "اهمیت حیاتی یک رهبر" برای هر جنبش، خیزش یا انقلابی اشاره کرده ام و همواره در روزهای آغازین هر جنبش و خیزشی که شکل گرفته بود پیش بینی کرده بودم که چون شاهزاده رضاهلوی تنها کسیست که ملت ایران به او اعتماد دارند و اگر نقش رهبریت را بر عهده بگیرد، آن جنبش ها و خیزش ها، پس از بجای گذاردن هزاران کشته و زندانی با شکست روبرو خواهند شد، که شوربختانه نتیجه آن خودداری در پذیرش رهبری را دیدیم. [[5، 6]] البته جای دارد تا اشاره شود، که شاهزاده همواره بدنبال یک ائتلاف خردجمعی بوده است که در ستیز با "روان ملی" ایرانیان می باشد. تاریخ ایران از آغاز تا بامرزه نشان داده است که ملت ایران بدون یک رهبر، هرگز در سرنوشت خود سهم نبوده اند و هر آنکس که غیر از این گوید، یا خودفریبی می کند تا با تاریخ ایران آشنایی ندارد. باری به باور این نگارنده، شاهزاده رضاهلوی با آغاز کارزار #سیرک انتخابات، نخستین بارست که سکاندار این کشتی در دریای پرم تلاطم شده است. بگفته ای دیگر، شاهزاده بدون ائتلاف با ناکسان و بیسروپایان، [[7]] یا گسیل داشتن انجمن اسلامی-شیعی فرسگرد [[8]] یا بنگاه رای گیری ققنوس [[9]] و امثالهم، توانسته است یک تنه، آنها را با یک هشتک در رسانه اجتماعی اکس (تویتر پیشین)، رژیم را بزانو در آورد. البته قشر جوان و آزاده ایرانی در درون کشور با او هم پیمان و همراه شده و تحریم را به پیروزی رساندند.

بنابراین، این بایستی برای شاهزاده رضاهلوی، گویای چندین مهم باشد:

۱ - او از پایگاه مردمی در ایران برخوردارست - پایگاهی که هیچ ایرانی در ۴۵ سال گذشته نتوانسته است ویژه خود سازد؛

۲ - جوانان ایرانی در درونمرزها، رسماً او را نماینده خود اعلام داشته اند تا رژیم خونخوار اسلامی را بر زمین افکنده و ایران و ایرانی را از چنگال ستمگری هایش رها سازند؛

۳ - او بایستی بخود ایمان آورد که هیچ نیازی به ائتلاف یا پیاسازی گروه و غیره ندارد، زیرا که او یک تنه اپوزیسیون و بزرگترین سرمایه ملی می باشد.

امروز کاوه آهنگر ملت ایران است و او فریدون شاه است که ضحاک تازی را بایستی در بند کشد.

دستاورد تحریم و پیامد شکست رژیم

در وهله نخست ممکن است، برخی از هم میهنان بیندارند که پس از شکست بزرگ رژیم در سیرک انتخابات، وادار به تغییر سیاست و اصلاح خواهد شد. ولی بر عکس آن رخ خواهد داد و نمونه آن در رای گیری های زمان رئیسی است که در کل انتصابات ریاست جمهوری پائین ترین مشارک ملت در رای گیری دیده شد، ولی واکنش رژیم، ستمگری، خشونت، خونریزی و فساد بیشتر بود.

این بدان خاطرست که این ویژگی سرشتی و ساختاری همه رژیمهای استبدادپرست که در زمانهایی که با پایداری و ایستادگی ملت‌هایی که بر آن فرمانروایی میکنند روبرو میشوند، بویژه همچون آنچه که دیروز در ایران رخ داد و انتخابات نمایشی با شکست پایان یافت و هرگونه تظاهر به مشروعیت و اعتبار را در نزد جهانیان از دست داد، و وادار خواهند شد تا با توسل شدید به تبلیغات گسترده و تاکتیکیهای دستکاری مشخص شده، تحریم‌ها را کم‌رنگ نشان داده و آن را دروغی ساخت مخالفین رژیم جلوه دهند، که البته آن نیز با ناکامی روبرو خواهد شد.

در نتیجه، اینگونه رژیم‌های نه تنها در پی انتقام، بلکه در مسیر استقرار بیشتر کنترل توتالیتر قرار میگیرند و با فرسایش آزادیهای فردی و اجتماعی، و تشدید ستمگری و خشونت بیشتر، شامل افزایش سطح سرکوب از طریق بازداشت‌های گسترده، سانسور و فیلترینگ بیشتر و پیاسازی کمپینهای تبلیغاتی با هدف تحت‌تأثیر قرار دادن دیدگاه عمومی میشود. افزون بر آن این رژیمها ممکن است اقدامات نظارتی و کنترل پلیسی را تشدید کرده و فعالیتهای مخالفین خود را نظارت کرده و به سرکوبشان پردازند، همچنین تلاش میکنند تا اشخاص تأثیرگذار در جامعه که تشویش دهنده یا ترغیب کننده به تحریم‌ها بودند را وادار به حمایت از رژیم کنند و در صورت سرپیچی به فجیع‌ترین طریق بقایل می‌رسانند. این واکنش غیرمنطقی سرانجام موجب خواهد شد تا نارامی‌های درونی کشور به انقلابات گسترده مردمی سرانجامیده و فروپاشی آنان را متضمن سازند.

دو دیگر، سرشت و ساختار رژیمهای استبدادی همچون جمهوری اسلامی، در چنین زمان‌هایی فروپاشی آنان از درون رژیم نیز می‌تواند فراهم شود که در پیکر یک کودتای نظامی یا جنگ بر سر قدرت میان سران رژیم و باندهای مافیایی آنان پدیدار می‌گردد و فشارهای برونی جهانی، ناشی از ناآرامیهای درونی آن‌ها را آسپیندیرتر می‌سازد. در نتیجه، فروپاشی نهایی چنین رژیمهایی اغلب بر اثر جنگ‌های درونی رژیم بر سر قدرت و فشارهای برونی که انقلابات مردمیست را تسریع می‌سازد. بهترین نشانه رخداد این مساله، آغاز افتادن گرگ‌های بجان یکدیگرست. بگفته‌ای دیگر، چون بوی سقوط رژیم با تحریم انتخابات به مشام اکثریتی که در کنار این رژیم در ۴۵ سال گذشته، تعدیه کرده اند از هراس آینده، در چند روز آینده از آرزوهای خوار و خورده بسیجی مسجد سر محله گرفته یا بالاترین افراد درون رژیم که البته بعنوان سران و سرکردگان رژیم شناخته نمی‌شوند، ولی مستقیم یا غیرمستقیم در همه جنایات و فساد رژیم سهیم و شریک بوده اند همچون میمونی که پایین تنه اش در گرمابه، آغاز به سوختن می‌کند و بچه اش را زیر تنش می‌گذارد تا نسوزد، بجان یکدیگر افتاده و با دهان به انتقاد گشودن از سیستم و شیوه کشورداری سران رژیم، تلاش خواهند نمود تا خود را از هرگونه اتهامی در آینده مبرا سازند و شاید که تیرهای برق خیابان‌های کشور، مهماندار سرهای ننگینشان نباشند.

سه دیگر، این تحریم انزوای سیاسی رژیم در نزد دوستان بیگانه خود از جمله روسیه را بدنبال خواهد داشت، زیرا که روس

ها امروز متوجه شده اند، که شرط بندی بر روی اسب بازنده در درازمدت در راستای منافع و مصالح اشان نخواهد بود و بتدریج پشت رژیم را خالی خواهند نمود.

چهاردیگر، نیز منظر بینالمللی بعنوان یک عامل حیاتی در بقا و ثبات رژیمهایی استبدادی همچون ایران به دلایل گوناگون دارای اهمیت ویژه است. نخست، نقد و فشار بینالمللی میتواند اعتبار رژیم را، هم در درون و هم در برون از کشور، توانایی آن را برای حکومت به نحو موثر را تضعیف سازد، که شامل تحریمهای اقتصادی بیشتر، انزوای دیپلماتیک از طرف جوامع بینالمللی خواهد بودم که بالطبع بر روی ناآرامی های درون کشور نه تنها تاثیرگذار خواهد بود بلکه تشدید می دهد.

بگونه ای چکیده، رژیمهای توتالیتری اغلب به اقدامات سرکوبی برای مقابله با شکستهای مهم روی آورده و نظرات بینالمللی نقش حیاتی در شکل دهی به چشمانداز بقا آنها از طریق تأثیر بر دینامیکهای درونی و فشارهای برونی ایفا میکند.

باری، بیست و هفت سال پیش در نوشتاری در رابطه با تحریم های انتصابات ریاست جمهوری و پیشاز بقدرت رسیدن محمود احمدینژاد، برآورد کرده بودم که رژیم از درون فرو خواهد پاشید تا بدست ملت ایران. [10] زیرا که هنگام بررسی موشکافانه رژیم اسلامی در ایران و مقایسه آن با دیگر رژیم های استبدادی در تاریخ جهان آشکار می شد که پارادایم تغییر کرده و نکات ظریفی را آشکار ساخته بود که آن را از دیگر رژیم های توتالیتر و استبدادی در جهان متمایز می ساخت، که خطر اصلی عمدتاً از شکافهای درونی قدرت ناشی می شد تا از کاتالیزورهای برونی یا مقاومت ها و خیزش های مردمی.

این ویژگی متمایز، ریشه در یک کمبود آشکار می شد و آن نبود یک رهبر ملی بود؛ رهبری که ملت ایران به او اعتماد و وفاداری داشته باشد و بداند که انقلابش به پیروزی خواهد رسید. در نتیجه، به نظر می رسید که فروپاشی تنها از درون و بویژه یک کودتای سازماندهی شده توسط رده های نظامی، بویژه سپاه پاسداران انجام رخ می داد. ولی اکنون اگر شاهزاده رضاپهلوی، به این کارزار بسنده نکرده و این رهبری را ادامه دهد، آن زمان گرگ خونخوار داستان ما دیگر نمی

تواند تغییر پوشاک داده و خود را جانور دیگری به ملت ایران و جهانیان معرفی کند، بلکه پوست کنده شده اش بدست ملت ایران، آرایش دهنده تاریخ کشورمان خواهد شد.

بنابراین، این نگارنده همچون اکثریت نزدیک به کل ملت ایران امیدوارست که شاهزاده این رهبری را تا پیروزی ادامه دهد. ولی با همه توصیف‌ها، شاهزاده و هم میهنان آزاده ما در درون کشور، به یاری تحلیلگران سیاسی ملی گرا نیازمندند تا به هدف که پیاسازی یک نظام ملی ایرانی، پس سرنگونسازی رژیم می باشد، دست یابند.

وظیفه تحلیلگران سیاسی ملی گرا

شوربختانه فرهنگ آمریکایی "فست فود" در مبارزات سیاسی ما ایرانیان نیز اثر کرده است و بسیاری از کُنشگران و تحلیلگران سیاسی را به درون این گرداب در منجلاب فرو برده و همه فعالیت های سیاسی اشان علیه رژیم، بجای نوشتن مقاله و روشنگری، شده است هشتک و شعارهای کوتاه تلگرافی.

این بدان خاطر می باشد که تفاوت خود را با یک رهبر ملی همچون شاهزاد رضاپهلوی متوجه نمی شوند. زیرا که اگر شاهزاده یک "هشتک سیرک انتخابات" بیاری یک ارتش ملی مجازی را ترند کند، چون شناخته شده و دارای اعتبار و یک پایگاه ملی-مردمیست، کافیت تا یک الی دو واژه، یا جمله را بر زبان آورد یا بنویسد و ملت را بحرکت در آورد. این ویژگی رهبریست، نه کُنشگران سیاسی در نتیجه این کُنشگران و تحلیلگران سیاسی بایستی با مقاله نویسی نه تنها همچنان به افشاکری در رابطه با جنایات، فساد و در کل ایرانستیزی و ایرانفروشی های رژیم ادامه دهند، بلکه وظیفه واشکافی و تفسیر هشتک ها و جملات رهبر ملی را بر دوش گیرند. ولی مشکلی که امروزه نمایان شده است، همانگونه که در بالا اشاره شد، عدم تشخیص و تمیز دادن مرز خود و شاهزاده است.

بهر رو، بخش قابل توجهی از ملت ایران که متوجه است معنای "آزموده را آزمودن خطاست" چیست، ولی ناتوان در درک برخی مسائل سیاسی از جمله مبارزه منفی چیست، و "چرا بایستی در تعزیه ها و سیرک های انتصابات رژیم خودداری ورزید" و یا "این خودداری چه تاثیری بر زندگی فرایند زندگی امروزشان و آینده فرزندانشان خواهد داشت"، در نتیجه رای باطله به صندوق های رای رژیم می اندازد، نیاز به مقاله های سیاسی ولی قابل درک دارد تا آگاه شود.

باری، پژوهش های گوناگون، نشان داده اند که رسانه های اجتماعی در مبارزات سیاسی تاثیر بخشند ولی بدون پشتوانه مبارزات سیاسی سنتی که آگاهی رسانی از طریق نوشتن مقاله های تحلیلی است، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید؛ بویژه آنکه سیرک انتصابات ریاست جمهوری رژیم در راهست و بایستی رژیم را تا آنزمان بزانو در آورده و واپسین ضربه مرگ را بر پیکر خوارش فرود آورد و کشور و ملتمان را از چنگالش رها سازیم.

شاپور سورنپهلاو

روز سال ۳۷۶۱ بهدینی

۱۲ اسفندماه ۲۵۸۲ شاهنشاهی

۲ مارس ۲۰۲۴ ترسای

بازبردها [منابع] و فرامودها [توضیحات]:

× - پیوند اینترنتی کوتاه شده به این نگاشته: <https://48CimNP/ly.bit>

1 - BBC, "Record low turnout in Iran elections amid widespread discontent", -
https://www.youtube.com/watch?v=SvHSjETQn_Q

2 - "خامنه ای مُرد: خلاء قدرت، جنگ کفتارها و لاشخورها و سونامی مرگبار در کمین ایران" - <https://bit.ly/3eeBviE>

3 - <https://tinyurl.com/bp5bwfma>

4 - <https://tinyurl.com/y98uy9up>

5 - "نه کشتی بدون ناخدا به مقصد می رسد و نه جنبش بدون رهبر به پیروزی" - <https://bit.ly/3E3DU8K>

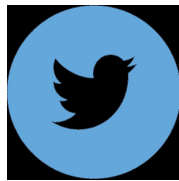
6 - "آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچ: مهسای بیگناه، خیزش های بدون رهبر، معترضان خشمگین، اعتراضات سرگردان، اپوزیسیون های متوهم، در رویارویی با رژیم خشن، پیچیده و هوشمند" - <https://bit.ly/3UoFLN4>

7 - "نشست دانشگاه جورج تاون: ائتلاف ایرانفروشان و ایرانستزان، شاهزاده رضا پهلوی و دیوار نام آوری" - <https://bit.ly/41PZB6S>

8 - "سیب از درختش دور نمی افتد: هشدار درباره "انجمن اسلامی فرسگرد": صادراتی های رژیم روضه خوانان"

9 - "از رژیم 'عربزده' تا مخالفین 'عربزده': واشکافی نشانوار پروژه ققنوس -"

10 - " چرا نایستی در تعزیه و سیرک انتخاباتی رژیم استبداد مذهبی شرکت جُست: <https://bit.ly/3wE8TID> " -



#419ab3

□